

اقتصادی از چهار سال تجاوز نمی‌کند، لذا این پدیده خود نوعی ناپایداری مدیریت اقتصادی را منعکس می‌سازد و در نتیجه، طرح‌های توسعه در ساختار واحدهای صنعتی یا تضادهای نظری جابجایی مدیریت رویارو هستند.

۵) این مفروضات در مصاحبه با مقامات مسوول کشور طی سال‌های گذشته حسب موضوعات مورد بحث مطرح شده‌اند.

۶) نویسنده به واژه "اقتصاد بیمار" معتقد نیست، زیرا طیف بیماری بسیار گسترده است و در هر شرایطی مسایل اقتصادی با واژه تخصصی خاصی تعریف می‌شوند (مثل رکود اقتصادی)، اما از آنجا که این اصطلاح در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا آن را به عنوان یک نوع طبقه‌بندی سیاسی قبول می‌کنیم.

۷) تضاد نظری بین گروه‌های سیاسی حاکم باعث شده است که مخالفان رویه‌های اصلاحات - نوسازی جامعه، تصویر نگران‌کننده‌ای از آثار سوء بحران‌های اقتصادی را مطرح نمایند. حمایت‌های رسانه‌ها در بزرگ کردن موضوع هم ابهامانی (Illusion) را ایجاد کرده، به طوریکه ابعاد واقعی بحران اجتماعی چندان مشخص نیست.

۸) رفتارهای اجتماعی، باورهای فرهنگی حاکم را نشان می‌دهند، لذا اجرای هر سیاستی در کوتاه مدت با مانع فرهنگی روبرو نیست، اما در میانمدت، مانع فرهنگی خود را نشان می‌دهند، و در درازمدت هم تئوری‌ها دچار تغییر ماهوی می‌شوند.

۹) توضیح اینکه از سال ۱۳۷۶، توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی پیشی گرفته است.

۱۰) در مورد خانواده، پیشی گرفتن متوسط هزینه خانوار بر متوسط درآمد خانوار نیز به معنی زیان‌ده بودن است.

بیفتد: اول اینکه، نرخ مبادله ارز در قیمت تثبیت شده، آرایش بنگاه‌های سودآور را به سمت کاهش نرخ ارز و شرکت‌های ضررده را به سوی افزایش نرخ ارز برای حداکثر استفاده از فرصت‌های از دست رفته جهت‌گیری خواهند نمود - با توجه به شرایط توان صادراتی و رقابتی این جهت‌گیری صورت می‌گیرد (نمودار ب). دوم اینکه، نرخ مبادله ارز در قیمت تثبیت شده عکس حالت فوق را باعث می‌شود، یعنی بنگاه‌های سودآور به سمت افزایش نرخ ارز و شرکت‌های ضررده برای استفاده مطلوب از فرصت‌ها (منابع) به سوی کاهش نرخ ارز روی خواهند آورد.

این موضوع، در شرایطی تحقق می‌یابد که زمان تثبیت نرخ مبادلاتی ارز در بازار با زمان هماهنگ کردن بنگاه با شرایط بازار پولی همزمان باشد یا با حداقل تأخیر صورت گیرد و در صورتیکه بین سیاست‌های مالی و پولی هماهنگی مناسبی وجود نداشته باشد، مجدداً قیمت‌های متفاوت نرخ تبدیل ارز را با توجه به تفوق هر یک از حالات «ب» و «پ» بر یکدیگر می‌توان پیش‌بینی نمود.

منابع و توضیحات

1) Parkin, Michael/1994/Economics/2nded./Addison Wesley/P.731.

۲) مأخذ فوق/صفحه ۸۰۴

۳) سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ دوران پس از جنگ تحمیلی، دوران سازندگی نامیده شده است.

۴) از آنجا که میانگین طول دوران مدیریت بنگاه‌های

گذر از نظام چندگانه ارزی به سیستم نرخ واحد ارز

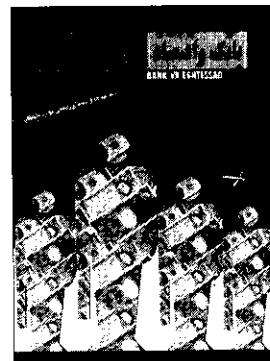
دغدغه‌ها و دستاوردهای مورد انتظار

شدت گرفتن جریان مبادلات سرمایه‌های خارجی از دهه ۱۹۷۰، بر پیچیدگی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی افزوده و روند فزاینده ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی، فرآیند هدف‌گذاری و ابزارسازی متغیرهای اساسی اقتصاد را دشوارتر نموده است. در این راستا، تنظیم رفتار نرخ ارز و ایجاد یک رژیم ارزی مطلوب و سازگار با شرایط کلان اقتصاد کشور، از موضوعات و سؤالات مهم پیش روی

چکیده

تحلیل نرخ برابری پول ملی و تنظیم چارچوب خاص برای تعیین ارزش و دامنه نوسان آن، یکی از زمینه‌های عمده نظری و تجربی علم اقتصاد در چهار دهه اخیر بوده است. برقراری نظام نرخ‌های شناور همراه با

○ وجه بارز نظام ارزی حاکم بر اقتصاد ایران طی دو دهه اخیر، همانا مداخله گسترده و مکرر دولت در بازار ارز و تخصیص اداری آن در نرخ‌های ترجیحی بوده است.



سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی است.

است.

وضعیت و مشکلات خاص نظام اقتصادی کشورهای جهان سوم، انتخاب رژیم بهینه و مناسب ارزی را مضاعف می‌کند. در اینگونه اقتصادها، روابط نهادها و متغیرها چنان درهم تنیده و پیچیده است که نمی‌توان به سهولت یک رژیم ارزی را به عنوان نظام بهینه و کارآمد مورد تایید قرار داد و ساز و کارهای اقتصادی را با آن هماهنگ نمود.

در مقاله حاضر، سعی می‌شود که با بررسی جنبه‌های تئوریک و تحولات اخیر فکری در زمینه نظامات ارزی، آخرین قضاوت‌های نظری ارائه شود و براساس آن، یک نظام ارزی سازگار و متناسب با ساختارهای اقتصاد ایران استخراج و توصیه گردد.

سیر تطور نظام‌های ارزی

اقتصادهای پیشرفته پس از پشت سر گذاشتن تجربه طولانی نظام نرخ‌های برابری ثابت و به دنبال فروپاشی نظام برتن وودز، به نظام شناور ارزی روی آوردند. مدافعان نظام شناور در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، که دوره اوج نظام برابری ثابت بود، دلایل چندی را به نفع عملکرد نظام شناور ارائه کردند. مهمترین این دلایل، حفظ استقلال عمل در سیاستگذاری پولی، ایجاد حفاظ و حاشیه امنیت در مقابل انتقال آثار شوک‌های خارجی به اقتصاد داخلی و شفاف شدن نظام اطلاعاتی اقتصاد، به ویژه در القای به موقع علایم به بخش تجارت خارجی و انعکاس آخرین تغییرات در وضعیت مزیت‌های نسبی به عنوان مهمترین منافع انتظاری این رژیم بود^(۱). مخالفان نیز نسبت به بروز ناپایداری نرخ ارز در اثر حملات سوداگرانه (Speculation) و تشدید روی آوری بورس‌بازان به این بازار ابراز نگرانی می‌کردند. مدافعان نظام شناور، استدلال می‌کردند که این سیستم خوداتکا و خودپایدار (Self Sustained) است و کارکرد مکانیزم‌ها و مؤلفه‌های درونی آن، هرگونه بی‌ثباتی را از بازار رفع می‌کند. تکیه‌گاه این فرضیه نیز موقت بودن هرگونه انحراف از نرخ برابری قدرت خرید (PPP) بود. به عبارت دیگر، مکانیزم عرضه و تقاضا، برقراری همیشگی برابری ارزش پول ملی در سطح برابری قدرت خرید را تضمین می‌کند و هر نوع اختلال از این نرخ نیز به طور خودکار برطرف خواهد شد (مک لاپ - ۱۹۷۲).

لیکن تجربه کارکرد نظام نرخ‌های شناور طی سه دهه اخیر، به ویژه سقوط نرخ برابری پول‌های عمده اروپایی در مقابل دلار در اوایل دهه ۱۹۹۰، صحت فرضیه فوق را

به استثنای یک مقطع کوتاه، وجه بارز نظم ارزی حاکم بر اقتصاد ایران طی دو دهه اخیر را مداخله گسترده و مکرر دولت در بازار ارز و تخصیص اداری آن در نرخ‌های ترجیحی تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، حوزه ارزی کشور هیچگاه بدون اختلال عمل نکرده است. از سوی دیگر، تغییر محیط اقتصادی کشور طی پنج ساله اخیر، به ویژه تشکیل حساب ذخیره ارزی (OSF) برای هموار کردن آثار نوسانات بازار جهانی انرژی بر اقتصاد، شرایط را برای تغییر نگرش و چرخش به سوی فعال‌تر شدن عوامل و نیروهای بازار ارز فراهم کرده است و بنظر می‌رسد که یکی از فوری‌ترین نیازها و اقدامات حایز اولویت در راستای اصلاح امور اقتصاد در شرایط کنونی کشور، حرکت به سوی افزایش تخصیص بازاری ارز در بستر یک نظام ارزی تک‌نرخ و در قالب یک رژیم شناور مدیریت شده باشد. این مقاله سعی دارد که ضمن تبیین این نکته، به برخی دغدغه‌های کارشناسی در این زمینه پاسخ گوید.

مقدمه

بررسی سیر تحول نظام‌های ارزی نشان می‌دهد که مسأله تعیین رژیم و نظام حاکم بر بازار ارز در کشورهای مختلف، همواره مستلزم لحاظ نمودن شرایط و عوامل جانبی و تقابل تنش‌های سیاسی بوده است. منشأ این دشواری‌ها نیز نقش دوگانه‌ای است که نرخ ارز در یک اقتصاد کوچک ایفا می‌کند: از یک سو، تنظیم نرخ ارز با هدف حفظ و افزایش قدرت رقابت یک کشور در بازارهای جهانی و حصول تعادل تراز پرداخت‌ها صورت می‌گیرد. لازمه ایفای مؤثر این نقش، افزایش بیشتر نرخ ارز نسبت به تفاضل نرخ‌های تورم داخلی و جهانی و تعبیه انعطاف کافی در مکانیسم تعیین نرخ برابری به منظور حفظ قدرت رقابت اقتصاد ملی تحت شرایط گوناگون اقتصاد جهانی است. از سوی دیگر، در شرایط تورم بالا و شتابان، نرخ ارز ابزار بالقوه‌ای برای کنترل تورم و اعاده تثبیت به قیمت‌های داخلی است. لازمه ایفای مؤثر نقش دوم ثبات هر چه بیشتر بازار ارز است.

دشواری تصمیم‌گیری در خصوص تعیین رژیم ارزی به عناوین مختلف در ادبیات اقتصادی مطرح شده است. مک دونالد و تیلور (Mac Donald & Taylor - 1992) از پیچیدگی این مقوله به عنوان "اهمیت نسبی اهداف خرد و کلان" و کتن (Kenen - 1993) از آن به عنوان "اهداف داخلی و خارجی" یاد می‌کنند. با توجه به اینکه مجموعه ادبیات اقتصادی تاکنون توجه خاصی را معطوف بررسی ابعاد رفاهی نظام‌های گوناگون تعیین نرخ برابری ارز نکرده، لذا تحلیل مقایسه‌ای پیامدهای انتخاب هر نوع رژیم ارزی بر تابع رفاه اجتماعی تا حدی مجهول مانده

○ مسأله تعیین رژیم و نظام حاکم بر بازار ارز در کشورهای مختلف، همواره مستلزم لحاظ نمودن شرایط و عوامل جانبی و تقابل تنش‌های سیاسی بوده است.

(۱) فریدمن (۱۹۵۳) به جمع‌آوری و تبیین کلیه دیدگاه‌ها در این زمینه پرداخته است.



تعیین کننده نظام اداری تخصیص اسعار خارجی در کشورهای در حال توسعه، به ویژه در منطقه آفریقا و خاورمیانه است.

جدول شماره یک
تحولات نظام نرخ ارز در کشورهای
در حال توسعه

(درصد)

نوع نظام نرخ برابری	۱۹۷۶	۱۹۸۳	۱۹۹۰	۱۹۹۴
تثبیت به یک پول واحد	۶۲/۶	۴۳/۵	۳۰/۱	۲۵/۵
تثبیت به یک سبد ارزی	۲۳/۴	۲۸/۲	۲۶/۸	۱۶/۴
نظام های انعطاف پذیر (اعم از شناور و شناور مدیریت شده)	۱۴	۲۸/۳	۴۳/۱	۵۸/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

Source: Quarterly Report on Changes in Exchange Rate Arrangements/IMF/1994.

همانگونه که از جدول شماره یک بر می آید، ترجیح غالب کشورها به سوی نظام انعطاف پذیر تعیین نرخ ارز و در مقابل، به دست آوردن مجدد بخشی از دامنه هدفگذاریها بر ابزارهای پولی است که قبلاً در راستای نیل به اهداف ارزی از پیش تعیین شده، از دست رفته بود. اما این استقبال گسترده از رژیم نرخهای شناور ارز، به چه خصوصیتی باز می گردد؟ تحت نظام نرخهای ثابت ارز، کشور می تواند از سیاست مالی برای رسیدن به تراز و تعادل داخلی و از سیاست پولی برای نیل به تعادل خارجی استفاده کند. در صورت ثبات سایر شرایط، چنانچه دولت امکان استفاده همزمان از سیاستهای پولی و مالی را داشته باشد، دستیابی به تعادل داخلی در چارچوب نظام شناور ارزی تسهیل خواهد شد و از ابزارهای سیاست پولی برای تحقق برخی اهداف خالص داخلی، مانند رشد اقتصادی می توان بهره برد. با توجه به محدود بودن ابزارها و روشهای کارآمد سیاستگذاری، این رژیم از مزیت خاصی برخوردار است. علاوه بر این، تحت نظام نرخهای انعطاف پذیر ارز، امکان و آثار اشتباه در سیاستگذاری و تعویض حصول تعادل خارجی به حداقل می رسد.

از آنجا که با استقرار نظام نرخ ارز انعطاف پذیر، قابلیت تحقق اهداف داخلی افزایش می یابد، لذا سیاست پولی از کارایی و محبوبیت بیشتری برخوردار است. همچنین، رژیم نرخهای انعطاف پذیر ارز سبب می شود تا دولت ها، نرخ ارز را در سطحی خارج از حد تعادل خود قرار ندهند و لذا از سودبری یک بخش اقتصادی به زیان دیگر بخش ها جلوگیری می شود و به این ترتیب، هزینه نیل به اهداف اقتصادی نیز کاهش می یابد. بالاخره اینک،

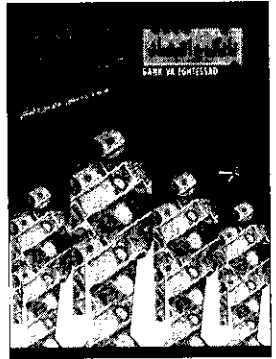
با تردید مواجه ساخت. مطالعات ویلیامسون (۱۹۷۶) و فرانکل (۱۹۷۸) نشان داد که در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی پس از برقراری نظام های شناور، میزان ذخایر بانک های مرکزی که درگیر مداخله در بازار ارز شده اند، قابل قیاس با مقدار متناظر آن در دوران استقرار نظام نرخ های برابری ثابت است. در این صورت، می توان استنتاج کرد که تغییرات نرخ های برابری به میزانی بوده که ضرورت مداخله گسترده بانک های مرکزی، هم سطح با مداخله در نظام ثابت ارزی را ایجاب کرده است.

نقطه ثقل استدالات مدافعان نظام شناور ارزی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، عمدتاً متمرکز بر اجزای حساب جاری تراز پرداخت ها و نقش اساسی آن در تعیین نرخ ارز در بازار آزاد بود. در حالیکه نرخ ارز در کوتاه مدت به شدت متأثر از تحولات بازار سرمایه و انگیزه های سودآوری تعیین می شود، تغییرات بیش از حد انتظار نرخ ارز (Excess Volatility) پس از برقراری نظام شناور و آثار آن بر انگیزه های سرمایه گذاری و حجم تجارت، علت بسیاری از دغدغه ها و موضوع بسیاری از تحقیقات دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بوده است. در این زمینه، می توان به مطالعات هوپر و کوهلاگن (Hooper & Kohlhaugen) و ردریک (Kenen & Rodrick) اشاره کرد.

مفهوم "مداخله بهینه" یا "مدیریت بهینه" در بازار ارز در نتیجه این تحولات شکل گرفت. نتیجه مطالعات ترنوفسکی (Turnovsky-1990) نشان دادن این اجماع بود که نظام نرخ برابری حساسیت قابل توجهی را نسبت به ماهیت شوک هایی که اقتصاد با آن مواجه می شود و نیز ثبات نسبی فعالیت های بخش واقعی اقتصاد در مقابل نوسان سطح قیمت ها، از خود نشان می دهد. بر این اساس، نظام نرخ های ثابت برابری در مواجهه با یک شوک پولی می تواند ثبات کامل بخش های واقعی و اسمی اقتصاد را حفظ کند، در حالیکه در سایر نظام های ارزی، براساس شدت و منشأ شوک وارده یا انتقال یافته به اقتصاد و پارامترها و شرایط مدل کلان اقتصاد، سطح و برنامه مداخله در بازار ارز قابل طراحی است.

موضوع انتخاب سیستم و رژیم ارزی در کشورهای در حال توسعه با دشواری ها و پیچیدگی های مضاعفی نیز مواجه است. وجود محدودیت های مقداری، کنترل های اداری، بازارهای دو و بعضاً چندگانه، تک محصولی بودن اقتصاد، ماهیت محدود و دامنه ناچیز کارکرد سایر ساز و کارها و مکانیزم ها، به ویژه ضعف مفرط نهاد بازار در القای علایم و تخصیص مطلوب و صحیح منابع، عامل این پیچیدگی هاست. هر چند که روند تغییر شرایط بازار ارز در بیشتر اقتصادهای در حال توسعه رویکرد بیشتر به نظام انعطاف پذیر ارزی را نشان می دهد، لیکن گزارش های صندوق بین المللی پول همچنان مؤید نقش خاص و

نقطه ثقل
استدالات مدافعان
نظام شناور ارزی در
دهه های ۱۹۵۰ و
۱۹۶۰، عمدتاً بر
اجزای حساب
جاری تراز
پرداخت ها و نقش
اساسی آن در تعیین
نرخ ارز در بازار آزاد
متمرکز بود.



نظام نرخ‌های انعطاف‌پذیر ارز، فاقد هزینه‌هایی است که دولت برای مداخله در بازار و حفظ نرخ برابری در سطح اعلام شده صرف می‌کند.

اما در مقابل این نقاط قوت، باید گفت که نظام انعطاف‌پذیر ارزی با انتقاداتی همچون عدم اطمینان بیشتر بازار ارز، عدم تثبیت سودآوری ارزی و نظم قیمتی کمتر (نسبت به نظام نرخ‌های ارزی ثابت) همراه است. به همین دلیل، انتخاب رژیم مناسب ارزی تا این حد پیچیده و تدبیر بازار ارز تا این حد مشکل است.

انواع رژیم‌های ارزی

در اوایل دهه ۱۹۹۰، برخی رهسپارها، معتقد به انتخاب یکی از نظام‌های ارزی کاملاً چسبنده و ثابت (Rigidly Fixed Exchange Rate) یا شناور آزاد و تمیز (Clean Float Exchange Rate)، به منظور حل مسایل بازارهای مالی کاملاً ادغام شده در بازار جهانی بودند. این تأکید، ناشی از موضوعی است که در ادبیات اقتصادی به عنوان "سه‌گانگی غیرممکن" (Impossible Trinity) از آن یاد می‌شود. براساس این فرضیه، یک کشور تنها قادر است از میان سه هدف ثابت نرخ ارز، استقلال سیاست پولی و همگرایی بازارهای مالی، تنها دو هدف را برگزیند. جفری فرانکل (اوت ۲۰۰۰) پس از بررسی دقیق این مباحث، با تمرکز بر همگرایی بازارهای مالی، ادعا کرد که با افزایش درجه همگرایی بازارهای مالی بین‌المللی از یک سطح آستانه‌ای معین، عملاً نیز گزینه‌های فرآوری یک کشور به یک انتخاب میان ثبات نرخ ارز یا استقلال سیاست پولی تقلیل می‌یابد و یک کشور معین در چارچوب دو حد افراطی فوق نمی‌تواند ثبات کامل بازار ارز را همزمان با برخورداری از استقلال کامل سیاست پولی تجربه کند، لیکن در صورت انتخاب یک رژیم حد واسطه، که نظام نرخ‌های ارز شناور مدیریت شده نامیده می‌شود، حصول درجه‌ای از انعطاف‌پذیری در تأمین هر دو هدف امکانپذیر خواهد بود.

از دیدگاه جفری فرانکل، پیوستن به یک اتحادیه پولی (Currency Union) و یا گزینش شناوری خالص (Pure Floating) زمینه را برای ساخت و تاز آزادانه بورس‌بازان بین‌المللی فراهم می‌کند و اثرات القای ریسک و احتمال وقوع بحران را افزایش می‌دهد. اما انتخاب کردن میان این دو حد افراطی نیز فرآیندی پیچیده و مستلزم لحاظ نمودن جوانب گوناگون و الزامات خاص هر مقطع زمانی برای هر کشوری است. به عبارت دیگر، نه رژیم شناور خالص (که نوسان زیاد در نرخ ارز و حباب‌های سفته‌بازانه را به بار می‌آورد) و نه مشارکت در اتحادیه‌های پولی (که پایداری آن بعضاً به واسطه رفتارهای سیاسی زیر سؤال می‌رود) انتخابی به صورت

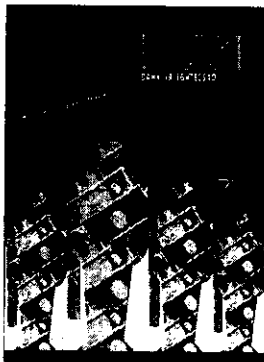
یکبار برای همیشه نمی‌تواند باشد. آنچه فرانکل از آن به عنوان "حدواسطه گمشده" (Missing Middle) نام می‌برد، همانا حالت مطلوب درون طیفی از رژیم‌های ارزی است که گستره آن نرخ‌های کاملاً انعطاف‌پذیر را در بر می‌گیرد. در کوشش برای حل این مسأله بغرنج، پرفسور هارپل چیر (Harpel Chair - 2000) نشان داد که در انتخاب یک رژیم ارزی خاص باید مزایای جانبی هر یک از نظام‌های ثابت یا شناور بر اقتصاد داخلی بررسی و ارزیابی گردد و معیار جدیدی برای تعیین مرزهای بهینه پولی تدوین شود. به هر حال، این نکته را نیز باید به خاطر داشت که رژیم‌های میانی (Intermediate) پیچیده، شفافیت کامل را از جریان سرمایه‌گذاری خارجی سلب می‌کند و برخی از رژیم‌های میانی و حد واسطه نیز با شکست مواجه شده‌اند، اما این شکست‌ها به معنای حذف چنین گزینه‌هایی نیست. اینکه برخی از رژیم‌های حدواسطه از پایداری لازم برخوردار نیستند، دلیلی بر رد کامل چنین رژیم‌هایی نمی‌شود. یک اصل منطقی و مورد اجماع در میان اقتصاددانان، زندگی را مملو از مبادلات (Trade-offs) می‌دانند، پس بیشتر راه‌حل‌های گوشه‌ای، طبعاً بهینه نخواهند بود.

انتخاب رژیم نرخ‌های ثابت ارز، هزینه‌های مبادلاتی (Transaction Cost) را تقلیل داده و ریسک نرخ ارز را که سبب کند شدن جریان تجارت و سرمایه‌گذاری می‌شود، کنترل می‌کند. همچنین، با انتخاب این رژیم، یک لنگر اسمی قابل اتکا، برای سیاست پولی بدست می‌آید. در مقابل، گزینه رژیم نرخ‌های انعطاف‌پذیر ارزی امکان اتخاذ و بکارگیری سیاست مستقل پولی و حمایت از اقتصاد در مقابل شوک‌های منفی در بخش واقعی بدون اتکالی به سیاست انقباض تقاضا را فراهم می‌سازد.

بدین ترتیب، در انتخاب نظام بهینه ارزی، هر کشور براساس شرایط و پارامترهای خاص زمانی و موقعیتی خود، اقدام به وزن دهی به مزیت‌های هر یک از نظام‌های شناور و ثابت کرده و انتخاب میزان و درجه بهینه شناوری، از نظر فرانکل، یک راه حل نازل (Inferior Solution) است. علاوه بر آن، تقابل این دو رژیم از دید فرانکل، به یک دوگانگی می‌ماند. البته طیفی از دوگانگی‌ها وجود دارد: محقق با حرکت از اتحادیه پولی به مرز پولی می‌رسد که معادل رژیم نرخ‌های ارزی ثابت است و با ادامه دادن به مسیر، مراتب گوناگون سیستم‌های میخکوب شده (Peggings) - تعدیل‌پذیر (Adjustable) - خزنده (Crawling) - سبک (Basket) و منطقه هدف (Target Zone) پیش از نقطه انتهایی، یعنی شناوری آزاد، در اختیار سیاستگذار خواهد بود.

براساس طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول، از ۱۸۵ کشور عضو این سازمان در آخر سال ۱۹۹۹، تعداد ۵۱ کشور رژیم شناور مستقل را دنبال می‌کردند، تعداد ۴۵ کشور پول ملی خود را رها کرده و ۸۹ کشور (یعنی ۴۸

○ موضوع انتخاب سیستم و رژیم ارزی در کشورهای در حال توسعه، با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های مضاعفی مواجه است.



ارز تا چه حد تخصیص منابع را دچار اختلال نموده، مبادرت ورزید.

تبیین تجارب گذشته و ارزیابی عوامل دخیل در حصول موفقیت

همانگونه که در بخش ادبیات موضوع اشاره شد، انتخاب یک نظام ارزی، گزینه‌ای متناسب با ساختار و شرایط خاص اقتصاد هر کشور است. جدا شدن از نظام‌های کاملاً تثبیت شده و دستوری و نزدیک شدن به نظام‌های مبتنی بر بازار جهت‌گیری کلی روند مذکور را تشکیل می‌دهد. براین اساس، شرایط ساختاری و زیربناهای اقتصادی، مجموعه داده‌ها و قوانین نهادی و نظم و انضباط مالی، عوامل اصلی دیکته کننده جایگاه نظام ارزی هر کشور در طیف مورد بحث است.

با پایان یافتن دوره هشت ساله جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی کلیه زیربناها و ساختارهای اقتصادی، نظام ارزی کشور در راستای جهت‌گیری عمومی سیاست‌های تعدیل اقتصادی، به سوی آزادسازی چرخش نمود. حرکت از اقتصاد متمرکز و اداری، به اقتصاد مبتنی بر نیروهای بازار ایجاب می‌کرد که تغییراتی در جهت‌گیری‌های بازار ارز و ساختار نظام ارزی کشور داده شود.

با عطف توجه به مشکلات متعددی که در ارتباط با نظام چندنرخ ارز وجود دارد، حفظ سیستم چندنرخ ارز در بلندمدت فاقد کارایی لازم در نظام مبادلاتی کشور است و هزینه‌های سنگینی را به کشور تحمیل می‌کند. نظام ارزی کشور در خلال دهه اول انقلاب، مرکب از تخصیص چندگانه ارز بوده و حتی در مقطعی، هفت نرخ تبدیل برای پول ملی وجود داشت و به تبع آن، برای هر نرخ لیستی از کالاهای قابل ورود تنظیم شده بود. واردات ۱۶ قلم کالای اساسی، اقلام مورد نیاز صنایع دفاعی و پروژه‌های عمرانی براساس نرخ رسمی و با اختلاف بسیار زیاد با نرخ بازار آزاد صورت می‌گرفت که بیشترین پارانه ارزی را طی این سال‌ها به خود اختصاص می‌داد.

در تجزیه و تحلیل پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی، بسیاری از مسایل و مشکلات کشورها به عملکرد نظام چندگانه ارزی نسبت داده می‌شود که به اجمال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نظام چندگانه ارزی منبع اصلی ایجاد اختلال و انحراف در الگوی تخصیص منابع و لاجرم انتشار دهنده ناکارایی در بدنه اقتصادی کشور تلقی می‌شود. تغییر مسیر اقتصاد از تمرکز بر فعالیت‌های تولیدی به سوی رانت‌جویی، واسطه‌گری و خدمات غیرتولیدی در این راستا توجیه می‌شود.
- نظام چندگانه ارزی مأخذ عدم شفافیت رژیم تجاری، اشاعه‌دهنده فساد اداری به طور گسترده و

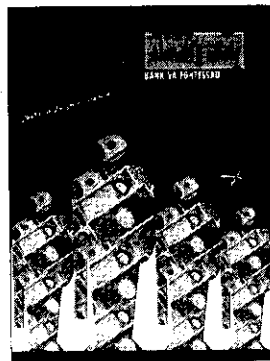
درصد کل نمونه) رژیم‌های میانی را برگزیده بودند، لیکن کالوو (Guillermo Calvo) و ریسنهارت (Carment Reinhart) معتقدند که تعیین معیار مناسب برای تشخیص مرز واقعی میان پول‌های شناور و هدفگذاری نرخ ارز براساس ثبات نرخ و تغییرات ذخایر ارزی مشکل است. علی‌القاعده تعداد پول‌های شناور می‌باید کمتر از تعداد پول‌های هدفگذاری شده روی سطح نرخ ارز باشد، لیکن دلیلی تجربی بر این ادعا ارائه نشده است.

سیستم نرخ‌های چندگانه ارزی

نظام ارزی چندنرخ در هیچ مقطعی و در هیچ یک از کشورهای جهان به عنوان یک نظام ارزی کارآمد و پایدار مورد ارزیابی و انتخاب قرار نگرفته است، بلکه نظام ارزی چندنرخ همواره محصول دوره‌ای سیاستگذاری انفعالی در عرصه اقتصاد و تسلط مشکلات و مصایب اقتصادی و سیاسی و بالمآل عدم تفرس در وضعیت اقتصادی کشور در افق میان مدت و بلندمدت بوده است. لذا هرگاه که تقلیل حجم و تسلط مشکلات بر کشورها این فرصت را ایجاد نموده که با دید عمیق‌تری به مسایل نگرسته شود، اصلاح نظام حاکم بر تخصیص و نرخ ارز در رأس سیاست‌های معطوف به بهبود وضعیت اقتصادی قرار داشته است.

غالباً سیستم چندنرخ ارز از نیل به اهدافی که برای تأمین آن ایجاد شده، از جمله رفع مشکلات تراز پرداخت‌ها، اثرگذاری بر بودجه، تأمین نیاز بخش‌های با اولویت و اثرگذاری مطلوب بر تخصیص منابع، خصوصاً در میان مدت ناتوان بوده است، به ویژه آنکه این سیستم نمی‌تواند از سفته‌بازی، رانت‌جویی اقتصادی و سیاسی، تخصیص غیربینه منابع و علی‌النهایی تضییق و تضییع منابع، و تأثیر سوء بر ذخایر بین‌المللی کشور جلوگیری نماید. استفاده از نظام چندنرخ ارز - حتی در بهترین وضعیت تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی - نتایج بسیار نامطلوبی بر تخصیص منابع بر جای گذاشته است، زیرا با اتکای به چنین نظامی، قیمت نسبی کالاها و خدمات در داخل کشور با قیمت‌های نسبی بین‌المللی تفاوت فاحشی پیدا می‌کند و این امر موجب بروز اختلالاتی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری برای فعالان اقتصادی می‌شود و به ایجاد الگوهای ناکارآمد تولید و مصرف و نتیجتاً، ایجاد موانع بر سر راه رشد اقتصادی می‌انجامد. هر چند که اعمال سیستم‌های چندنرخ ارز موجب گسترش این اختلالات می‌شود، اما از آنجا که این نظام با عوامل مخمل دیگری همچون سیاست اعطای سوبسید و یا وضع انواع مالیات‌ها نیز همراه است، نمی‌توان با استفاده از رابطه علت و معلولی و پیشاپیش به تشخیص دقیق این امر که نظام چندنرخ

● چون با استقرار نظام نرخ ارز انعطاف‌پذیر، قابلیت تحقق اهداف داخلی افزایش می‌یابد، لذا سیاست پولی از کارایی و محبوبیت بیشتری برخوردار است.



بالاخره، محملی برای گسترش اعمال نفوذ گروه‌های ذینفع در فرآیند سیاستگذاری اقتصاد کلان شمرده می‌شود.

● با افزوده شدن بر ثروت اقلیت از جامعه که قدرت دسترسی بالایی به کالاهای وارداتی به نرخ رسمی دارند و نیز با شدت گرفتن فشارهای تورمی (از مجرای یارانه‌های ضمنی چندگانه و کسری بودجه در حال رشد)، رژیم ارزی چندگانه به تشدید و تعمیق نابرابری در الگوی توزیع درآمد و ثروت در جامعه می‌انجامد و دخالت بیشتر دولت در اقتصاد برای حمایت از اقلیت کم درآمد با استفاده از توزیع کوپن را توجیه‌پذیر می‌سازد.

● تخصیص یارانه ضمنی با استفاده از تخصیص ارز به نرخ ترجیحی، به ویژه به صنایع بزرگ، اتکای این صنایع به واردات را افزایش داده و انگیزه‌های جایگزینی واردات را از بین می‌برد. شواهد تجربی حاکی از آنست که تفاوت در نرخ ارز، بازدهی سرمایه و رشد اقتصادی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم شفافیت یارانه‌ها در این زمینه معمولاً صنایع را به عدم امکان رقابت در شرایط آزاد سوق می‌دهد. بدین ترتیب، روی‌آوری کشورها به نظام ارزی تک‌نرخ و اتکای بیشتر بر عوامل و مؤلفه‌های بازار در تعیین نرخ و تخصیص ارز، از جمله اولویت‌های کلیه کشورها در شرایط مطلوب و مناسب است.

با سپری شدن شرایط خاص دهه ۱۳۶۰ و خروج سیاستگذاران از موضع انفعالی، لزوم توجه به علایم بازار در تعیین نرخ و بستر رژیم ارزی، احساس می‌شد. اوایل دهه ۱۳۷۰ با این ارزیابی عمومی توأم بود که اقتصاد از شرایط شوک‌گونه گذشته رها شده و در حال برگشت به سلامت نسبی است. همزمان، آثار و تبعات نامناسب کارکرد نظام چندگانه ارزی به صورت اختلال جدی در ساز و کارها و فعالیت‌های اقتصادی به طور کامل نمودار شد و الگوهای توزیع منابع، درآمد و ثروت را در جامعه کاملاً بر هم زد. بر این اساس، پیشنهاد حرکت به سوی سیستم تک‌نرخ ارز در قالب نظام نرخ‌های شناور مطرح شد، اما در مقطع برنامه‌ریزی برای گذر به سیاست جدید، چند نکته مغفول مانده و لذا این حرکت قرین موفقیت نبود.

اولین نکته، نادیده انگاشتن لزوم برقراری هماهنگی و کسب آمادگی در ساختارها و بسترهای اقتصادی برای پذیرش تحول جدید و طراحی یک بسته سیاسی سازگار و ماندگار بود. نکته دوم، پیش‌بینی نشدن نحوه مقابله با آثار شوک منفی در بازار جهانی نفت خام و عقیم نگهداشتن اقتصاد در صورت وقوع این پدیده بود. نتیجه سهل‌انگاری و حاکمیت نگرش خوش‌بینانه در استفاده از تسهیلات خارجی، تقبل تعهدات ارزی کوتاه‌مدت و سنگینی بود که به واسطه تشدید تحریم‌های اقتصادی

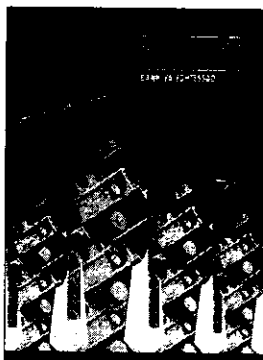
آمریکا علیه ایران، دوره مذاکره و حصول توافق مجدد با اعتبار دهندگان را طولانی کرد و هزینه استقراض را تا حد قابل توجهی افزایش داد، به طوریکه کارکرد همزمان این عوامل و آمیخته شدن آنها با مسایل سیاسی، شرایط

غیرقابل تحمل تورم شتابان و تنزل سریع ارزش ریال را طی مقطع ۷۳-۱۳۷۲ پدید آورد و زمینه بازگشت به نگرش تثبیتی در سیاستگذاری‌ها را فراهم نمود. آماده‌نبودن بسترها و محیط کلان اقتصاد، خوش‌بینی به روابط و امور بین‌الملل و مهیا نبودن برای مقابله با شوک‌های بازار جهانی نفت، مهمترین عوامل این چرخش قلمداد شده‌اند.

شروع برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴) با تداوم تحریم اقتصادی علیه ایران، اوج‌گیری شرایط نامساعد بازار بین‌المللی و سررسید بازپرداخت بدهی‌های خارجی (که اقتصاد کشور را با تنگنای جدی مانند روند نزولی رشد تولید و روند فزاینده انتظارات تورمی روبرو کرد) همراه بود. با بهبود قیمت جهانی نفت، از شتاب نرخ تورم در سال ۱۳۷۵ کاسته شد و زمینه اعاده ثبات و نظم فراهم شد. در بعد داخلی نیز اجرای سیاست تثبیت اقتصادی و کسب نتایج مثبت قابل توجه از آن در سال ۱۳۷۵، موجب شد تا اصلاحات محتاطانه اقتصادی در سال‌های بعد نیز ادامه یابد. در این دوره، مجموعه سیاست‌های ضدتورمی با تأکید بر انضباط مالی و کنترل نقدینگی همچنان در سرنوشت سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی قرار داشت، به گونه‌ای که نرخ تورم در این سال به کمترین میزان خود از ابتدای دهه جاری رسید.

از اواسط سال ۱۳۷۶، بروز بحران مالی در شرق آسیا و سقوط تدریجی قیمت نفت افق رشد اقتصادی کشور را به شدت تیره کرد و اقتصاد ایران در سال‌های بعدی دوران سختی را پس سرگذشت. روند نامساعد بازارهای مالی جهان در پی وقوع تحولات اقتصادی در حوزه آسیای جنوب شرقی و کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و بازتاب منفی آن بر اقتصاد ایران، کشور را با تنگناها و مشکلات عدیده‌ای، از جمله روند نزولی نرخ رشد اقتصادی، روند فزاینده انتظارات تورمی و مشکلاتی در بازپرداخت بدهی‌های خارجی مواجه ساخت. کاهش شدید قیمت نفت به دنبال تنزل تقاضای جهانی در اواسط سال ۱۳۷۶ و ادامه آن در سال ۱۳۷۷ موجب شد که متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران با ۱۷/۹ درصد کاهش در سال ۱۳۷۶ نسبت به دوره قبل، به ۱۶/۴ دلار در هر بشکه برسد. متوسط قیمت در سال ۱۳۷۷ نیز ۱۰/۵۱ دلار در هر بشکه برای نفت خام صادراتی ایران بود که با ۳۶/۰ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۷۶، تنزل وسیعی را نشان می‌دهد. با ثبات نسبی متوسط میزان تولید و صادرات

○ نتیجه سهل‌انگاری و حاکمیت نگرش خوش‌بینانه در استفاده از تسهیلات خارجی، تقبل تعهدات ارزی کوتاه‌مدت و سنگینی بود که به واسطه تشدید تحریم آمریکا علیه ایران، دوره مذاکره و حصول توافق مجدد با اعتبار دهندگان را طولانی کرد و هزینه استقراض را تا حد قابل توجهی افزایش داد.



فنی - مالی پروژه‌های اقتصادی که به واسطه حاکمیت نظام چندنرخه همواره با اختلالاتی همراه بود، تغییر کرده و با ارزیابی واقعی منافع و هزینه‌ها، مکانیزم تخصیص منابع کمیاب را بیش از پیش به سوی پروژه‌های توجیه‌دار سوق دهد، لیکن دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌هایی نیز از سوی برخی از کارشناسان ذکر شده که ذیلاً به مهمترین آنها، یعنی کنترل تورم و اجتناب از انبساط پایه پولی، اشاره می‌شود.

توصیه بنگر رژیم مناسب ارزی برای ایران

اقتصاد ایران، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و انتخاب هرگونه رژیم ارزی می‌باید با توجه به این ویژگی‌ها صورت پذیرد. کوچک بودن اقتصاد در عرصه مبادلات جهانی، قیمت‌پذیر بودن آن، اتکای شدید به درآمدهای نفت با نوسان شدید، شوک‌پذیری بالا، محدودیت در حجم ذخایر ارزی و بالاخره کشتش‌پذیری ناچیز عرضه منابع ارزی، از جمله ویژگی‌های عمده اقتصاد ایران هستند. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند که انتخاب هیچیک از رژیم‌های انتهایی و دو نقطه نهایی طیف برای نظام ارزی کشور مطلوب ارزیابی نشود. حتی در صورت وجود و وفور منابع و ذخایر ارزی، اتخاذ و پیگیری نظام نرخ ثابت ارز اتلاف وسیع منابع ارزی را در پی می‌آورد و فقد ساز و کارهای مناسب برای اتکای کامل به فعالیت‌های آزادانه نیروهای بازار ارز، تدبیر بخش خارجی اقتصاد با استفاده صرف از کارکرد این نیروها را با مشکل مواجه می‌کند. علاوه بر آن، نظام نرخ‌های چندگانه ارز، سیستمی ماندگار و پایا برای کشور نیست، زیرا کلیه مزایای ناشی از نرخ‌های ترجیحی ارز را به صورت آثار مثبت بیرونی به محیط خارجی سرریز می‌کند و رقابت‌پذیری خارجی اقتصاد ملی را به صورت مستمر در معرض فرسایش قرار می‌دهد. بنابراین، در انتخاب یک رژیم مناسب ارزی، گزینش رژیم کاملاً شناور و یا کاملاً ثابت چندان منطقه‌ای و به صلاح کشور نیست. با توجه به مشکلات عدیده اقتصاد کشور در سطح کلان و لزوم اعمال کنترل و مدیریت بر ساز و کارها و مؤلفه‌های آن، نظام شناور مدیریت شده ارز می‌تواند گزینه‌ای مطلوب باشد، به ویژه اینکه قابلیت انعطاف و قدرت مانور کافی برای سیاستگذاران ارزی کشور به جای گذاشته و در صورت وقوع و انتقال شوک‌های خارجی به اقتصاد، به تعادل رسانیدن مجدد کلان اقتصاد در بخش خارجی آن با استفاده از ابزارهای این رژیم محتمل‌تر و آسان‌تر خواهد بود.

علاوه بر تمامی مزیت‌های پیش‌گفته شده، اتخاذ این رویه امکان هدنگذاری پولی و استفاده از ابزارهای

نفت کشور، درآمدهای ارزی از محل صدور این ماده در سال ۱۳۷۷ با کاهش شدیدی روبرو شد. با کاهش مداوم درآمدها و ذخایر ارزی ناشی از تنزل قیمت نفت در سال ۱۳۷۷، سیاست‌های انقباضی شدت گرفت و آثار معکوسی بر سرمایه‌گذاری، رکود فعالیت بخش حقیقی و افت شدید فعالیت‌های عمرانی دولت، کاهش صادرات غیرنفتی و افزایش بیکاری بر جای گذاشت. البته روند کاهنده رشد تولید در سال ۱۳۷۶ به دلیل برخورداری کشور از ظرفیت‌های اقتصادی بالاتر و شدت کمتر بحران در بازار نفت کمتر محسوس بود، لیکن افت شدیدتر قیمت جهانی نفت در سال ۱۳۷۷ و انتقال فشار آن بر تراز پرداخت‌ها و همچنین، انتقال مشکلات مربوط به تأمین مالی کسری بودجه دولت در ماه‌های پایانی سال مزبور، بر شدت و ابعاد مشکلات اقتصادی افزود. سال ۱۳۷۸ نیز در شرایط بسیار دشواری به لحاظ وضع مالی دولت و تعادل بخش خارجی اقتصاد آغاز شد. قیمت نفت که در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۷ به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۳۶۵ رسیده بود، تعادل کلان اقتصاد را در مخاطره قرار داد و نگرانی جدی نسبت به توان بازپرداخت دیون خارجی را در محافل کارشناسی و میان طرف‌های اعتباری ایجاد کرد.

به رغم تمامی این فشارها، اتفاق نظر دولت و مجلس در لزوم نظم بخشی به امور مالی و اعمال دقیق سیاست‌های کنترل تقاضا، سبب شد که محیط کلان اقتصاد شرایطی کاملاً متفاوت با وضعیت سال‌های ۷۳-۱۳۷۲ را تجربه کند. رعایت انضباط مالی و پایبندی به کنترل تورم در مجموعه سیاست‌گذاری کشور سبب شد که حتی منافع از این شرایط نصیب کشور شود. روند تقریباً روبه بهبود بازار بورس اوراق بهادار تهران، کنترل شتاب تورم، اصلاح مدیریت بدهی‌ها و تغییر ترکیب تمهیدات به نفع بدهی‌های بلندمدت‌تر، تشکیل حساب ذخیره ارزی برای هموار کردن آثار نوسانات بازار جهانی نفت خام و حرکت به سوی بازپرداخت بخشی از بدهی‌های دولت به سیستم بانکی از محل منابع صندوق ذخیره ارزی، همگی از جمله این تحولات مثبت هستند. بدین ترتیب، بنظر می‌رسد که مجموعه شرایط و محیط کنونی اقتصاد ایران (هم به لحاظ توان کارشناسی و هم به لحاظ عوامل زمینه‌سازی همچون ثبات محیط کلان اقتصاد و در اختیار داشتن ذخایر قابل قبول ارزی) آمادگی لازم برای گذر کردن به نظام تک‌نرخه ارز را داراست. انتقال موفق به این سیستم، ضمن آنکه آثار مثبتی را در راستای شفاف‌سازی محیط مالی و روشن شدن ابعاد حسابداری تخصیصات ارزی در پی دارد، سبب می‌شود که قیمت‌های بازاری مزیت‌های واقعی بخش‌های مختلف را دیکته کرده و پیام‌های بالنسبه صحیح را به عاملان اقتصادی ارسال کند. علاوه بر آن، انتظار می‌رود که توجیه

○ به نظر می‌رسد که مجموعه شرایط و محیط کنونی اقتصاد ایران، آمادگی لازم برای گذر کردن به نظام تک‌نرخه ارز را داراست.



مصوبات قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی ناظر بر کاهش بدهی‌های ارزی دولت نسبت به رقم مستدرج در بودجه‌های سنواتی خودبخود تأمین خواهد شد. بار تورم‌زای مازاد تعهدات (حدود ۱/۴ میلیارد دلار) نیز از طریق تأمین پوشش‌هایی در قالب فاینانس توسط دستگاه‌های ذیربط قابل کنترل خواهد بود. بدین ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که با تنظیم محتاطانه و اجرای دقیق اجزای بسته سیاستی فوق، مهمترین عامل تورم‌زای اجرای سیاست یکسان‌سازی، یعنی مابه‌التفاوت‌های مربوط به دیون ارزی به طور آگاهانه کنترل شود.

جنبه دیگر نگرانی‌های مربوط به یکسان‌سازی نرخ ارز، در بخش هزینه‌های سازمان‌ها است. انتظار می‌رود که رشد قابل توجهی در معادل ریالی منابع ارزی تخصیص یافته به دستگاه‌ها و سازمان‌های مشمول دریافت ارز به نرخ ترجیحی پس از اجرای سیاست فوق‌الذکر، پدید آید. برای اجتناب از تبعات تورمی این پدیده، راهکارهایی قابل بررسی است که مناسب‌ترین پیشنهاد مطرح شده تاکنون، مشروط شدن تصرف و هزینه درآمد ریالی معادل ارزی اعتبارات تخصیص یافته، اعلام هزینه دلاری است. در این صورت، انبساط پولی متوقف شده و حتی پیش‌بینی می‌شود که صرفه‌جویی‌هایی در قالب ماده ۸۷ قانون برنامه سوم توسعه حاصل شود.

یکی دیگر از دغدغه‌های کارشناسی، افزایش حسابداری در معادل ریالی حساب‌های بانک مرکزی در پایه پولی در نتیجه تقویم مجدد به نرخ بازار ذخایر ارزی فعلی است. ذکر این نکته ضروری است که با استناد به بند «ب» ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور، هرگونه افزایش درآمد در اثر تغییر نرخ برابری ارز می‌باید به بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک مرکزی تخصیص داده شود. در این صورت، از تغییر پایه پولی اجتناب خواهد شد و اثرات انبساطی ترازنامه بانک مرکزی عقیم خواهد گردید.

جمع‌بندی مباحث و آرایه توصیه‌های سیاستی

در این مقاله، مهمترین دلایل ملزم شدن سیاستگذاران ارزی به طراحی مکانیزم گذر به سیستم نرخ واحد ارز از نظام چندگانه ارزی ذکر شد. علاوه بر رویکرد جهانی اقتصادها به نظام ارزی تک‌نرخ و شناور، اختلالات سنگین ناشی از حفظ نظام چندنرخ و آسیب‌های جدی ناشی از رژیم تثبیتی در اقتصاد ایران، ایجاب دارد که در صورت تحقق شرایط مناسب، بخش ارزی کشور تغییر رویه داده و با چرخش به سوی نظام مبتنی بر بازار و مؤلفه‌های آن، در راستای کاهش اختلالات و مشکلات گام بردارد، به ویژه اینکه این تحول یکباره نبوده و دولت طی سه سال اخیر اهتمام جدی به

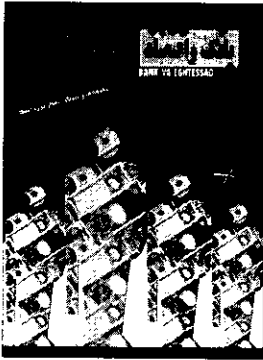
سیاست پولی برای نیل به اهداف اقتصادی، به ویژه در بخش واقعی اقتصاد مانند رشد اقتصادی و اشتغال را فراهم می‌کند. روی‌آوری بیش از پیش به رژیم نرخ‌های ثابت ارز و تثبیت ارزش ریال به یک ارز عمده و قوی، ضمن آنکه سبب از دست رفتن ذخایر ارزی کشور می‌شود، حوزه انتفاع از ابزارهای پولی را مختص به اهداف ارزی می‌کند و استقلال سیاستگذاری پولی را از متولی حفظ ارزش ریال، کاملاً سلب می‌نماید.

برخی نکات در گذر موفقیت آمیز به نظام تک‌نرخ

به رغم توجه سیاستگذار به الزامات و نکات شایان توجه برای حصول موفقیت در کنترل نظام ارزی، لازم است که مراقبت جدی کارشناسی در کلیه مراحل طراحی و اجرای سیاست جدید بکار گرفته شود، زیرا تکیه صرف بر نیروهای بازار ارز، به لحاظ ضعف ساختاری و ماهیتی این عوامل در هدایت و کنترل بازار فوق، قادر نیست برقراری و تداوم ثبات و امنیت را در این بازار تضمین نماید، به ویژه اینکه شرایط خاص تک‌محصولی بودن اقتصاد ایران و تسلط بخش نفت بر سایر اجزای اقتصاد کشور، امکان و احتمال تحریک فعالیت‌های سفته‌بازانه و القای نااطمینانی بیشتر از این سو در اقتصاد کشور را در چندان می‌نماید. بنابراین، لازم است که در تخصیص دادن منابع حساب ذخیره ارزی (OSF) به سایر جنبه‌ها و تأمین اهدافی غیر از تثبیت بازار ارز با نهایت احتیاط گام برداشت. در تجربه سال ۱۳۷۲، نقض ترتیبات اجرایی اندیشیده شده در خصوص تقبل پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز توسط دولت و پذیرش آن توسط بانک‌ها، سبب تشکیل حساب ذخیره تعهدات ارزی و بسط پایه پولی شد که آثار خاص تورمی نیز بر جای گذاشت. در شرایط کنونی، احتمال عودت این وضعیت بسیار اندک است و در صورت اجرای راهکارهای تعبیه شده برای عقیم‌سازی اقتصاد، می‌توان آثار پولی گذر به نظام تک‌نرخ ارز را به حداقل رسانید.

یک تدبیر ممکن برای کنترل آثار پولی مابه‌التفاوت نرخ ارز برای حدود ۲/۵ میلیارد دلار از تعهدات ارزی سررسید شونده در سال ۱۳۸۱ که از نوع تعهدات کوتاه‌مدت است، استفاده از منابع حساب ذخیره ارزی است. مهمترین مزیت این راهکار، استرلایز شدن خودکار اقتصاد در مقابل این تصمیم و بلااثر بودن آن بر پایه پولی و در نتیجه، نقدینگی است. به عبارت روشن‌تر، هیچگونه آثار حسابداری در معادل ریالی بازپرداخت بدهی‌های سررسید شونده صورت نخواهد گرفت. از مجموع ۵/۵ میلیارد دلار تعهدات ارزی سررسید شونده در سال ۱۳۸۱، معادل ۱/۶ میلیارد دلار به صورت تمدید یکی از

○ ویس‌سوزگی‌های
مستحصر به سرود
اقتصاد ایران باعث
شده‌اند که انتخاب
هیچ‌یک از رژیم‌های
استهائس و دو نقطه
نهایی طیف (کاملاً
شناور یا کاملاً
ثابت) برای نظام
ارزی کشور مطلوب
نیاشد.



York/McGraw - Hill.

3) Hooper, P. & Kohlhaugen, S./The Effects of Exchange Rate Uncertainty on the Prices and Value of International Trade/1978/Journal of International Economics.

4) Frankel, J.A./The Demand for International Reserves Under Pegged and Flexible Exchange Rate Regimes and Aspects of the Economics of the Managed Float/1978/in D. Bigman and T. Taylor (eds)/The Functioning Floating Exchange Rates: Theory, Evidence and Policy Implications/PP 169-95.

5) Isard, P./Exchange Rate Economics/1995/Cambridge University Press.

6) Kenen, P./The International Economy/1994/3rd ed/Cambridge University Press.

7) Kenen P. & Rodrick D./Measuring and Analysing the Effects of Short-term Volatility in the Real Exchange Rates/1986/Review of Economics and Statistics/PP, 311-15.

8) MacDonald, R. and Taylor/Exchange Rate Economics, A Survey /1996/IMF Staff Paper/Vol 32/PP. 1-57.

9) Machlup F./The Case for Flexible Exchange Rates/1972/in G.N Halm (ed.)/Approaches to Greater Flexibility of Exchange Rates/Princeton University Press.

10) Turnouovsky S./International Macroeconomic Stabilization Policy/1990/Basil Black Well.

فعال کردن بازار گواهی سپرده ارزی (CD) و جذب کردن بازار غیررسمی در آن داشته است، به نحوی که می توان ادعا کرد که بخش عمده برنامه ریزی های اقتصادی توجیه پروژه های فنی - سرمایه گذاری و واردات کشور در سالیان اخیر با نرخ کاملاً همگرا و نزدیک به نرخ بازار آزاد صورت گرفته و مبانی تحلیلی و عملیاتی اقتصاد، به طور آگاهانه بدان سو هدایت شده است. در خصوص بخش مشمول دریافت ارز ترجیحی، پیش بینی تبدیل یارانه ارزی به یارانه ریالی آثار مثبتی در قالب شفاف شدن بیشتر قوانین بودجه سنواتی بر جای خواهد گذاشت. فضا سازی برای حضور مؤثر بخش خصوصی و افزایش توان رقابت آن با بخش دولت، بهبود دامنه رقابت پذیری محصولات کشور، تصحیح مکانیزم قیمت ها و کارآمد کردن آن، هدایت صادرات غیررسمی (قاچاق) به کانال های قانونی و به ویژه فراهم شدن زمینه اصلاح نظام مدیریت کشور از طریق حذف برخی از منافذ اخذ رانت ارزی و اصلاح صورتحساب های عملیاتی براساس توان و کارکرد واقعی بنگاه ها و دستگاه ها، از مهمترین انتظارات آتی است.

در خصوص اشکالات مطرح شده در زمینه امکان تغییر پایه پولی و تورم احتمالی نیز راهکارهایی پیشنهاد شده که منطقی و قابل تحقق ارزیابی می شوند. تنظیم صحیح مکانیزم اقتصادی و بسته سیاستی همراه، با الزام تصمیم گیران به رعایت انضباط پولی و مالی، عوامل اطمینان بخش عدم انبساط قابل توجه در پایه پولی و رشد نقدینگی است. در شرایط موجود که درجه استقلال بانک مرکزی در سیاست گذاری ها بیش از گذشته است و اجماع همگانی در خصوص مضرات پولی شدن کسری های مالی محسوس تر و ابزارهای کنترل بهتری در اختیار است، شرایط مناسبی برای یکسان سازی نرخ ارز وجود دارد. علاوه بر آن، استحکام وضعیت کلان بخش خارجی اقتصادی و نیز امکان تمسک به ابزار اوراق مشارکت برای کنترل آثار بالقوه تورمی و جلوگیری از بسط پولی، مجموعاً شرایط ویژه و استثنایی را برای یکسان سازی نرخ ارز در کشور فراهم ساخته است.

اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران

آذر ماه ۱۳۸۰

فهرست منابع و مآخذ

- ۱) رحیمی بروجردی، علیرضا (تدوین کننده)، ارز و تجارت (۱)/۱۳۷۹/ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- 2) Salvatore, D./Theory and Problem of International Economics/1990/3 rd ed./New

با توجه به مشکلات عدیده اقتصاد کشور در سطح کلان و لزوم اعمال کنترل و مدیریت بر ساز و کارها و مؤلفه های آن، نظام شناسایی مدیریت شده ارز می تواند گزینه ای مطلوب باشد.